

مختصر مفید

جان ایچ. آرنولد

تاریخ

احمد رضا تقاء



تسرمای

تاریخ

مجموعه‌ی مختصر مفید: ۲۵
سرپرست مجموعه: احمد رضا نقاش

جان ایچ. آرنولد
احمد رضا نقاش

نویسنده
مترجم

زمستان ۱۳۹۲
بهار ۱۳۸۹
۱۰۰۰ نسخه

چاپ دوم
چاپ اول
تیراژ

حسین سجادی
سپیده
گرافیک گستر
صنوبر
سپیدار

مدیر هنری
حروف چینی
لینوگرافی
چاپ جلد
چاپ متن و صحافی

شابک ۹۷۸-۹۶۲-۹۹۷۱-۰۰۳-۹
همه‌ی حقوق برای ناشر محفوظ است.



نشر ماهی

تهران، شیابان انقلاب، رویه‌روی سینما سپیده، شماره‌ی ۱۱۷۶، واحد ۳

تلفن و دورنگار: ۶۶۹۵ ۱۸۸۰

www.nashremahi.com

پیش‌گفتار و سپاسگزاری

درباره‌ی موضوع «تاریخ» به‌طور کلی شاید بشود سه نوع کتاب نوشت: خودآموز علمی؛ پژوهش فلسفی در نظریه‌های شناخت؛ شرح و اثبات یک رویکرد خاص. کتاب حاضر در آمدی است بر تاریخ و بنابراین هیچ‌کدام از این‌ها نیست، اما از هر کدام کمی دارد، و روی هم رفته کتابی است که قرار است خواننده را سر ذوق بیاورد. مطالبی که این‌جا نوشته شده نظرات من درباره‌ی ماهیت تاریخ، شیوه‌ی پژوهش در آن، و فایده‌ی آن است. با این حال همواره کوشیده‌ام نشان دهم که مسیرهای دیگری هم برای پیمودن و گزاره‌های دیگری هم برای کشف کردن هست، و امیدوارم توانسته باشم خواننده را به کندوکاو بیش‌تر در این زمینه ترغیب کنم.

کتاب در سه بخش کلی تنظیم شده. سه فصل نخست به طرح برخی پرسش‌ها، جلب نظر خواننده، و شرح مختصر وضعیت تاریخ در گذشته می‌پردازد. دو فصل ۴ و ۵ درباره‌ی مقدمات لازم برای تاریخ‌پژوهشی، به ترتیب شامل کار با منابع و اندیشه در تفاسیر موجود، است. در فصل‌های آخر نیز مباحثی درباره‌ی جایگاه و معنای تاریخ و واقعیت، و این‌که چرا تاریخ اهمیت دارد مطرح می‌شود.

فصل‌هایی که پیش‌رو دارید قبل از نهایی شدن از نظر چندین نفر گذشته

و من به اشخاصی که ذهنم را در مورد موضوعات گوناگون روشن کردند بسیار مدیونم. به‌ویژه باید تشکر کنم از باربارا مک آلن^۱، صاحب‌نظر در موضوع مهاجرت ساکنان ایست انگلیا به برّ جدید، که مرا به پیگیری ماجرای جرج بردت واداشت و بدون الطاف بی‌کرائش فصل ۴ نوشته نمی‌شد. مسئولیت هرگونه خطای باقی‌مانده چه در این حوزه و چه حوزه‌های دیگر تماماً با من است. سایر اشخاص مبری از تقصیر و شایسته‌ی تقدیر عبارت‌اند از: ادوارد اکتون^۲، کاترین بنسون^۳، پیتر بیلر^۴، استیون چرچ^۵، شلی کاکس^۶، سایمون کراب‌تری^۷، ریچارد کراکت^۸، جف کیوبیت^۹، سایمون دیچفیلد^{۱۰}، ویکتوریا هاول^{۱۱}، کریس هامفری^{۱۲}، مارک نایتس^{۱۳}، پیتر مارتین^{۱۴}، سایمون میدلتون^{۱۵}، جرج میلر^{۱۶}، کارول راکلیف^{۱۷}، اندی وود^{۱۸}، و انبوه خوانندگان گمنام در انتشارات دانشگاه آکسفورد. در ضمن قدردانی می‌کنم از استادان و دانشجویان گروه تاریخ و مرکز مطالعات قرون وسطای دانشگاه یورک، و دانشکده‌ی تاریخ و دانشکده‌ی مطالعات انگلیس و امریکای دانشگاه ایست انگلیا، بابت آنچه درباره‌ی تاریخ به من آموختند. و در انتها، بیش از همه خودم را مدیون پدری می‌دانم که همواره راغب است درباره‌ی تاریخ حرف بزند و به من بگوید که چرا در اشتباه هستم.

1. Barbara MacAllan

2. Edward Acton

3. Katherine Benson.

4. Peter Biller

5. Stephen Church

6. Shelley Cox

7. Simon Crabtree

8. Richard Crockett

9. Geoff Cubitt

10. Simon Ditchfield

11. Victoria Howell

12. Chris Humphrey

13. Mark Knights

14. Peter Martin

15. Simon Middleton

16. George Miller

17. Carol Rawcliffe

18. Andy Wood

۹	پرسش‌هایی درباره‌ی آدم‌کشی و تاریخ	۱
۲۷	از پشت دلفین تا برج سیاست	۲
۵۱	«واقعیت ماجرا»: حقیقت، آرشیوها، و عشق چیزهای قدیمی ...	۳
۸۱	صداها و سکوت‌ها	۴
۱۰۹	سفرهای هزارفرسخی	۵
۱۲۹	گرچه کشتی؛ یا آیا گذشته‌ی کشوری بیگانه است؟	۶
۱۵۱	بیان حقیقت	۷
۱۶۹	منابع	
۱۷۳	برای مطالعه‌ی بیشتر تر	
۱۷۷	نمایه	

فصل ۱ پرسش‌هایی درباره‌ی آدمکشی و تاریخ

یک داستان واقعی. در سال ۱۳۰۱ میلادی گیلیم دو رود از روستای خود، روستای تاراسکون در کوه‌های پیرنه، سراسیمه راهی شهر پامیه در جنوب فرانسه شد. هدف او از این سفر دیدن برادرش رمون بود که از راهبان صومعه‌ی دومینیکیان در آن شهر بود. تا آن جا درست سی کیلومتر راه بود و گیلیم پای پیاده حداقل یک روز طول می‌کشید تا کنار دره‌ی رود آری‌یژ را بگیرد و برود تا به مقصد برسد، ولی چاره‌ای نبود. برادرش در نامه‌ای هشدار داده بود که خطری جدی جان هر دو شان را تهدید می‌کند و از او خواسته بود فوراً راه بیفتد.

وقتی گیلیم به صومعه‌ی پامیه رسید برادرش خبرهای هولناکی به او داد. رمون به او گفت به تازگی یک بگن (از آن راهب‌هایی که به هیچ فرقه‌ی مذهبی رسمی تعلق نداشتند) به اسم گیلیم دژان به صومعه‌ی آن‌ها آمده که وجودش خطری جدی برای آن دو است. دژان ظاهراً به راهب‌ها گفته بود حاضر است در دستگیری دو بدعت‌گذار به نام‌های پی‌یر و گیلیم اوتیه که در روستای مونتایو در کوه‌های پیرنه اقامت داشتند، به آن‌ها کمک کند. آشنایی او با آن دو بدعت‌گذار به آن جا بر می‌گشت که یک بار شب را پیش یکی از ساکنان یکی از روستاهای بالای کوه به صبح رسانده بود و آن شخص هم بی‌خبر از همه‌جا و به نیت تبلیغ ترتیب آشنایی دژان با آن دو را

داده بود. دژان هم پس از ملاقات با برادران اوتیه و جلب اعتمادشان حالا آمده بود آن دو رالو بدهد.

ولی علت اصلی هول و هراس رمون آن بود که دژان همچنین ادعا کرده بود که بدعتی‌ها داخل صومعه جاسوس دارند و رابط آن جاسوس با بدعتی‌ها برادر آن جاسوس است که فردی عادی از دوستان برادران اوتیه است. دژان گفته بود آن جاسوس رمون دو رود است و آن برادر هم گیلیم دو رود. رمون وحشت‌زده از گیلیم پرسید: «حقیقت دارد؟ تو با بدعتی‌ها رابطه داشته‌ای؟» و گیلیم دو رود گفت: «نه! بگن دروغ می‌گوید.»

ولی در واقع آن‌که دروغ می‌گفت خود گیلیم دو رود بود. او اولین بار در بهار ۱۲۹۸ با آن دو بدعت‌گذار دیدار کرده و به موعظه‌شان گوش سپرده بود و بعد هم به آن‌ها غذا و سرپناه داده بود و بنابراین واقعاً با آن‌ها ارتباط داشت. آن‌ها دایمی اش بودند. برادران اوتیه تازه از لومباردی برگشته بودند و قبل از آن محضردار بودند و در قصبه‌ها و شهرهای کوچک اطراف رودخانه‌ی آتری یژ کار می‌کردند. آن‌ها در لومباردی به آیین کاتارها گرویده بودند که طی قرن سیزدهم در جنوب فرانسه بیش از هر آیین دیگری رواج داشت. آن زمان چند سالی می‌شد که این آیین به دلیل فعالیت‌های گسترده‌ی مأموران تفتیش از سکه افتاده بود، ولی حال پی‌یر و گیلیم اوتیه قصد داشتند دوباره زنده‌اش کنند.

آیین کاتاری بدعتی در مسیحیت بود. مؤمنان به آیین کاتاری خود را «مسیحیان واقعی» می‌نامیدند و خود را وارثان راستین رسالت حواریون می‌دانستند. آنان به وجود دو خدا عقیده داشتند: خدای خیر، که عالم روحانی را آفریده بود، و خدای شر، که خالق دنیای مادی بود. این اعتقاد

به «ثنویت» مخالف اصول کلیسای کاتولیک رم بود، ضمن این‌که کاتارها به هر حال کلیسای کاتولیک رم را فاسد می‌دانستند و آن را «فاحشه‌ی بابل» می‌نامیدند. در اوایل قرن سیزدهم جنوب فرانسه محل زندگی چندین هزار کاتار رسمی و تعداد بیش‌تری کاتار غیررسمی بود. ولی در اوایل قرن چهاردهم از آن تعداد فقط چهارده نفر باقی مانده بودند که اکثراً هم در روستاهای کوهستان پیرنه مخفی شده بودند. با این‌همه باز هم درست‌کیشان عقایدی از این دست را بر نمی‌تافتند. علت اشتیاق راهبان صومعه‌ی پامیه برای استفاده از فرصت و دستگیری برادران اوتیه هم همین بود و به همین علت هم بود که گیلیم دژان برای برادران دو رود تهدید به حساب می‌آمد.

گیلیم دو رود از برادرش جدا شد و به کوه‌های پیرنه برگشت. او ابتدا به روستای آکس رفت (که آن‌هم سی کیلومتر با تاراسکون فاصله داشت) تا قضیه‌ی دژان را به رمون اوتیه (برادر بدعت‌گذاران) اطلاع دهد و سپس به روستای خودش بازگشت و جریان را به شخصی به اسم گیلیم دو آره‌آکه در کوئیه زندگی می‌کرد نیز اطلاع داد. اما نمی‌دانیم وقایعی که پس از آن پیش آمد هم خواست او بود یا خیر.

گیلیم دو آره‌آکه از طرفداران پروپاقرص کاتارها بود بلافاصله به سراغ دژان رفت و از او پرسید که آیا به دنبال برادران اوتیه می‌گردد، و او هم گفت بله. گیلیم دو آره‌آکه گفت پس بیا تا تو را ببرم نزد آن‌ها. دژان هم از خداخواسته قبول کرد و با هم راهی روستای لارنا در نواحی پرت و دورافتاده‌ی کوه شدند.

گیلیم دو رود بعداً خبردار شد که همان شب به محض این‌که دژان به پل

خارج لارنا رسیده دو نفر سیر راهش سبز شده‌اند. آن‌ها فیلیپ دو لارنا و پی‌یر دو آره‌آ (برادر گیلیم دو آره‌آ) بودند و اتفاقی که افتاد از این قرار است:

آن‌ها بلافاصله یقه‌ی دژان را گرفتند و آن‌قدر او را زدند که نای فریادزدن و کمک‌خواستن برایش نماند. بعد او را به کوه‌های اطراف لارنا بردند و از او پرسیدند راست است که می‌خواهد بدعت‌گذاران را دستگیر کند و او هم اعتراف کرد. فیلیپ و پی‌یر هم در دم او را از بالای یک صخره‌ی بزرگ به درون شکافی عمیق پرت کردند.

ماجرای این قتل سال‌ها مکتوم ماند و گیلیم دو رود، رمون دو رود و برادران او تیه تا چند وقت در امن و امان به زندگی خود ادامه دادند.

ولی ماجرای این آدمکشی که تا مدت‌ها کسی از آن خبردار نشد چه فایده‌ای برای ما دارد؟ این ماجرا در سال ۱۳۰۸ که گیلیم دو رود به آنچه درباره‌ی بدعت‌گذاری و بدعت‌گذاران می‌دانست اعتراف کرد در اسناد دادگاه‌های تفتیش عقاید به ثبت رسید. سه شاهد دیگر هم ماجرا را نقل کردند و گیلیم به جرم ارتباط با کاتارها به همراه شصت نفر دیگر به زندان محکوم شد. این حکایت کوتاه، غم‌انگیز و جذاب از قرن چهاردهم برای ما باقی مانده است. پس این قصه «تاریخ» محسوب می‌شود، یعنی داستانی واقعی درباره‌ی اتفاقی که مدت‌ها پیش رخ داده و در زمان حال بازگو می‌شود. گذشته بار دیگر جان می‌گیرد و بین گذشته و حال پیوند برقرار می‌شود. آیا به این ترتیب کار مورخ تمام شده و این درآمد کوتاه بر تاریخ همین جا به پایان می‌رسد؟

30602



نیشنل بک ٹرسٹ

ISBN 978-964-9971-04-9



9 789649 971049

۸۵۰۰ روپے